



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi://dx.doi.org/ 10.22067/PG. 2026.97184. 1424

پژوهشی

موقعیت ژئوپلیتیکی عراق و بازتاب‌های آن در روابط منطقه‌ای و جهانی

محسن علی جهید آل موسی (دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

هادی اعظمی (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده

مسئول)

aazami@um.ac.ir

محسن جانیپور (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

چکیده

عراق به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، قرارگیری در قلب پیوندگاه‌های انرژی و ترانزیت، و برخورداری از منابع راهبردی، همواره یکی از حساس‌ترین کانون‌های رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بوده است. این کشور پس از ۲۰۰۳ بیش از هر زمان دیگر به عرصه همپوشانی، تعارض و تعامل ژئوپلیتیکی بازیگران متعدد تبدیل شد؛ رقابت‌هایی که نه تنها ساختار سیاست داخلی عراق را شکل می‌دهد، بلکه جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آن را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل سیاست خارجی جمهوری عراق، جایگاه این کشور را در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که رفتار خارجی بغداد در یک میدان چندقطبی پیچیده و در هم تنیده شکل می‌گیرد؛ میدانی که در آن توازن و تضاد منافع قدرت‌های بزرگ چون ایالات متحده، چین، روسیه و بازیگران نوظهور آسیایی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. این مطالعه با رویکردی تحلیلی-تبیینی، شکست نسبی راهبرد ایالات متحده در تحقق طرح «خاورمیانه بزرگ» را در پرتو کنش متقابل قدرت‌های رقیب بررسی کرده و نشان می‌دهد که حضور و نفوذ ژئوپلیتیکی سایر قدرت‌ها در عراق، عملاً مانع شکل‌گیری هژمونی یک‌جانبه آمریکا شده است. همچنین، مقاله روندهای نوظهور در سیاست خارجی عراق را در ارتباط با ساختارهای همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای-از جمله سازمان همکاری شانگهای، بریکس و پیمان‌های جدید اقتصادی-مورد واکاوی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تشدید رقابت ژئوپلیتیک جهانی و ظهور بلوک‌های قدرت جدید، فرصت‌ها و چالش‌های تازه‌ای برای عراق ایجاد کرده و این کشور ناگزیر به اتخاذ سیاست خارجی چندمسیره و مبتنی بر موازنه‌گری هوشمندانه شده است. در نهایت، مقاله پیش‌بینی می‌کند که تداوم این رقابت‌ها، نقش و موقعیت عراق را در نظم بین‌الملل آینده بازتعریف خواهد کرد و می‌تواند این کشور را به یکی از گره‌های مهم ژئوپلیتیک منطقه جنوب غرب آسیا بدل سازد.

واژگان کلیدی: رقابت ژئوپلیتیک، عراق، سیاست خارجی

مقدمه

جغرافیا همواره نقش مهمی در امور بشر داشته است. به هویت، سرشت و تاریخ حکومت‌های ملی شکل بخشیده، به توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها یاری رسانده یا مانع آن شده است، و نقش مهمی در مناسبات بین‌المللی آنها بازی کرده است. چنانکه گریفیتس و کالاکان استدلال می‌کنند که: «در علم روابط بین‌الملل، جغرافیاست که سرنوشت‌ها را رقم می‌زند». در این میان ژئوپلیتیک به نوبه خود که یکی از جنبه‌های مطالعاتی و اصلی آن بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولت‌هاست، به دنبال کشف و اثبات این واقعیت است که چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و تکه زمینی که یک کشور بر روی آن قرار گرفته است گزینه‌های سیاست خارجی حکومت و جایگاه آن را در سلسله مراتب حکومت‌ها تعیین می‌کند (حسین‌پورپویان ۱۳۹۲: ۱۶۲). یکی از مولفه‌های مهم تأثیرگذار در اتخاذ سیاست‌های ملی و بین‌المللی، نقش عوامل انسانی و طبیعی و بطور کلی جایگاه یک

کشور در مجموعه نظام جهانی است که به «ژئوپلیتیک» (اطاعت، ۱۳۸۵: ۱۱) و موقعیت ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود. بر این مبنا، می‌توان گفت که موقعیت متمایز ژئوپلیتیکی کشورها، تعیین کننده ویژگی‌های خاصی است که دولت‌ها بر آن مبنا سیاست خارجی خود را تدوین می‌کنند (معنوی، ۱۳۸۷: ۱۰). این مسئله در قالب ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک هر منطقه در جهان، نقش بسزایی در شکل‌گیری ویژگی‌های روابط بین‌الملل در آن منطقه ایفا می‌کند که به نوبه خود، در نظام بین‌الملل جهانی نمود پیدا می‌کند. از این رو، مطالعه جغرافیای سیاسی اساساً مبتنی بر عامل جغرافیا است، زیرا این عامل یکی از تأثیرگذارترین موارد در رفتار یک دولت در سطوح داخلی و خارجی محسوب می‌شود. بر این اساس، خاورمیانه به دلیل برخورداری از منابع اقتصادی و انرژی بسیار چشمگیر مانند نفت و گاز، و موقعیت ژئواستراتژیک خود، در زمره مهم‌ترین مناطق جهان قرار دارد؛ به‌ویژه عراق که در قلب این منطقه واقع شده است. این منطقه به محل رقابت قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه تبدیل شده است. این کشورها همواره مشتاق حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود در این منطقه بوده‌اند (عبد، ۲۰۱۰: ۸۷). این منطقه به محل بحران‌های سیاسی، جنگ‌ها و تحمیل اراده‌ها و راهبردها تبدیل شده است. این امر تأثیر عمیقی بر زندگی مردم منطقه و همچنین بر ثبات و امنیت ملی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها داشته است. عراق یکی از کشورهایی است که به شدت تحت تأثیر این معادلات قرار گرفته است (مونیس، ۲۰۱۴: ۶۷) با وجود اهمیت ژئوپلیتیکی عراق، پرسش مهمی که همچنان به‌طور کافی بررسی نشده، این است که موقعیت ژئوپلیتیکی عراق چگونه بازتاب یافته و چه نقشی در تعیین رفتار منطقه‌ای و جهانی این کشور دارد؟ به بیان دیگر، هنوز روشن نیست که ابعاد مختلف ژئوپلیتیک عراق - از انرژی و موقعیت مکانی تا ساختار جمعیتی و پیوستگی‌های فرهنگی - به چه نحو در شکل‌دهی به تعاملات خارجی و موقعیت این کشور در نظام بین‌الملل اثر می‌گذارند.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر ارزیابی و تبیین این نکته است که موقعیت ژئوپلیتیکی متمایز عراق چگونه در روابط منطقه‌ای و جهانی آن بازتاب پیدا می‌کند و این بازتاب‌ها چه پیامدهایی برای جهت‌گیری‌های سیاست خارجی بغداد دارند. این تحلیل می‌تواند درک دقیق‌تری از الگوهای رفتار بین‌المللی عراق ارائه دهد و چشم‌اندازهای آینده جایگاه این کشور را در ساختار رقابتی نظم منطقه‌ای و جهانی روشن‌تر سازد.

مباحث نظری تحقیق

۱-۲. سیاست خارجی

در زمینه مفهوم سیاست خارجی برداشت‌ها و تعاریف متعددی وجود دارد. اگر چه پیوند بین تعاریف زیاد است اما، نگرش‌های متفاوت زمینه ساز تعدد تعاریف در این زمینه را فراهم آورده است. در ادامه به چند تعریف از سیاست خارجی اشاره می‌شود:

«سیاست خارجی» عبارت است از: خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و [تعقیب و تحصیل] منافع خود اتخاذ می‌کند (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۱).

سیاست خارجی عبارت است از مدیریت و تنظیم مناسبات و روابط با کشورها، سازمان‌ها، مجامع بین‌المللی به منظور تأمین منافع ملی، توسعه همه جانبه کشور، گسترش ارزش‌های نظام در جهان، حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی کشور. به بیان دیگر، سیاست خارجی به صورت ذیل در نظر گرفته می‌شود مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب موضوعی است که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چهارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نماید، نیز، سیاست خارجی بازتاب سیاست‌های یک دولت در ارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث جهانی می‌باشد (محمدی‌گماری و خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۸).

مجموعه توانایی‌ها و قابلیت‌های یک واحد سیاسی، جهت افزایش بهره‌وری شاخص‌های مورد قبول واحدهای دیگر را سیاست خارجی می‌گویند. شاخص‌های یک واحد سیاسی شامل اهداف، منافع ملی، ترتیبات و الزامات امنیتی یا منطقه‌ای می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۶۲).

۲-۲- ژئوپلیتیک

تاکنون از دانش واژه ژئوپلیتیک تعاریف و تفاسیر مختلف علمی و کاربردی گوناگونی به عمل آمده که به نوعی مخرج مشترک همه‌ی آن‌ها کنش متقابل جغرافیا (در مقیاس‌های مختلف) و سیاست در قالب مناسبات قدرت است. بدین مفهوم که قلمروهای جغرافیایی به فراخور موقعیت و محتوایی که دارند و معنابخشی به الگوهای رفتاری (همکاری‌ها و هم‌سویی) واحدهای سیاسی نقش آفرینند و به هویت و رویدادهای نواحی جهت می‌دهند (کاپانی‌راد و تهامی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). از این رو، ژئوپلیتیک را می‌توان در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین کرد که در آن سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت دارای خصلتی ذاتی می‌باشند. این سه عنصر الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی از جمله ملت‌ها و دولت‌ها را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کند. که می‌توان آن را در اشکال رفتاری نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیر سلطه، ائتلاف، صلح، همکاری، جنگ، امنیت، آرامش، ثبات، همزیستی، تجارت و مبادله، ارتباط، شهروند مداری، حاکم مداری و غیر آن ملاحظه نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۴۹-۴۸) بر این مبنا می‌توان گفت که مفهوم ژئوپلیتیک بیانگر حیطه‌ای از بررسی جغرافیایی است که عامل فضا را در شناخت چگونگی شکل‌گیری روابط بین‌الملل مهم تلقی می‌کند (عباسی‌سمنانی، ۱۳۹۲: ۹۷). و نوعی روش تحلیل سیاسی است که در نیمه اول قرن بیستم رواج داشت و در آن بر نقش جغرافیا در روابط بین‌الملل تأکید می‌شد. نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک بر این نکته تأکید دارند که مرزهای سیاسی، طبیعی و دسترسی به آبراهه‌های مهم برای بقای یک ملت، ضرورت حیاتی دارد (از غندی، ۱۳۷۴: ۱۶).

۲-۳- موقعیت ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

از آنجا که، ژئوپلیتیک علم بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست یا بررسی رابطه بین جغرافیا و سیاست است. رشته‌ای که به مطالعه نقش محیط جغرافیایی در تصمیم‌گیریهای سیاسی می‌پردازد، مثل تصمیم‌گیریهای در مورد نقش‌آفرینی و رقابت‌های سیاسی، منطقه‌ای و جهانی از طریق استفاده از امکانات محیط جغرافیایی. به عبارت دیگر، شبه علم یا نظریه‌ای که سیاست را وابسته به عوامل یا محیط جغرافیایی می‌کند و غالباً دست‌آویز افراطی‌ترین نظریه‌پردازان بوده است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۲۷۰). به بیانی دیگر، ژئوپلیتیک نقش عوامل جغرافیایی بر روابط کشورها را در نظر می‌گیرد. چرا که بدون تردید یکی از متغیرهای موثر در شکل‌گیری سیاست خارجی و همچنین مباحث استراتژیک و سیاست خارجی و دفاعی هر کشور، محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن است. امروزه نقش هر کشور در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی آن است. به گونه‌ای که از دیدگاه جغرافیدانان سیاسی، قدرت هر کشور به شدت از ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد (جهانگیری و اطهری، ۱۳۹۷: ۵۷). به نحوی که می‌توان گفت شناسایی موقعیت جغرافیایی اولین گام در تحلیل ژئوپلیتیک کشورهاست و از گذشته تا به امروز نظریه‌پردازان جغرافیایی به آن توجه کرده‌اند، فردریش راتزل^۱، جغرافیدان آلمانی برای نخستین بار تحلیل نظام‌مند از روابط پویا میان جوامع انسانی و زمینی که روی آن زندگی می‌کردند و دیگر اینکه کشورها و مردم، نیازمند کنترل و استفاده

انحصاری از سرزمین هستند، ارائه داد. مکیندر ۱ با ارائه ایده «محور جغرافیایی تاریخ ۲» در راستای گسترش ارتباط متقابل میان کنترل زمین و قدرت سیاسی و مقیاس جهانی تأکید داشت (کاوایان‌راد و مالداری، ۱۳۹۶: ۸۴۳). از سوی دیگر، نیکلاس اسپایکمن ۳ معتقد بود مطالعه جغرافیایی یک کشور در جهان با سیاست خارجی آن کشور توافق اساسی دارد. توجه به ویژگی‌ها و ملاحظات ژئوپلیتیک کشورها باعث خواهد شد که سیاستمداران، به نقاط قوت و ضعف کشور واقف شوند و در اتخاذ خط مشی‌های سیاسی و بین‌المللی از واقع بینی لازم برخوردار گردند و اهداف و منافع خود را متناسب با توانایی‌ها، نقش و جایگاه خویش در عرصه روابط و مناسبات بین‌المللی تعقیب نمایند (صفوی‌همامی، ۱۳۸۶: ۸۴). باید توجه داشت که در نظریه رئالیسم کلاسیک تأکید روی این می‌شود که موقعیت جغرافیایی، تهدیدات محیطی و همسایگان، شکل‌دهنده اولویت‌های سیاست خارجی به بیانی دیگر سیاست خارجی و واکنشی به محیط ژئوپلیتیک؛ در نئولیبرالیسم سیاست خارجی تابع جایگاه ژئوپلیتیکی در نظام جهانی در نظر گرفته می‌شود. همچنین مرشایمر در نظریه رئالیسم تهاجمی روی موقعیت ژئوپلیتیکی مساعد و سیاست خارجی تهاجمی و داشتن دست بالا در روابط بین کشورها جهت بقا تأکید می‌کند. همه این موارد به نوعی نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه برجسته موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک کشورها در سیاست خارجی و شکل‌دهی روابط منطقه‌ای و بین‌المللی کشورها است.

روش تحقیق

۱-۳ روش تحقیق

روش کلی تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. تحقیق حاضر در پی پاسخ‌دهی به این سوال است که موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق چه تأثیری در روابط منطقه‌ای و جهانی آن داشته است؟ برای پاسخ‌دهی به این سوال تلاش شده است که ضمن بیان درست از موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق، مولفه‌های موثر بر روابط ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی عراق نیز مشخص شود. داده‌های مورد نیاز در پژوهش حاضر از طریق روش کتابخانه‌ای با استفاده از کتاب‌ها، پژوهش‌ها، مقالات و منابع اینترنتی جمع‌آوری شده است.

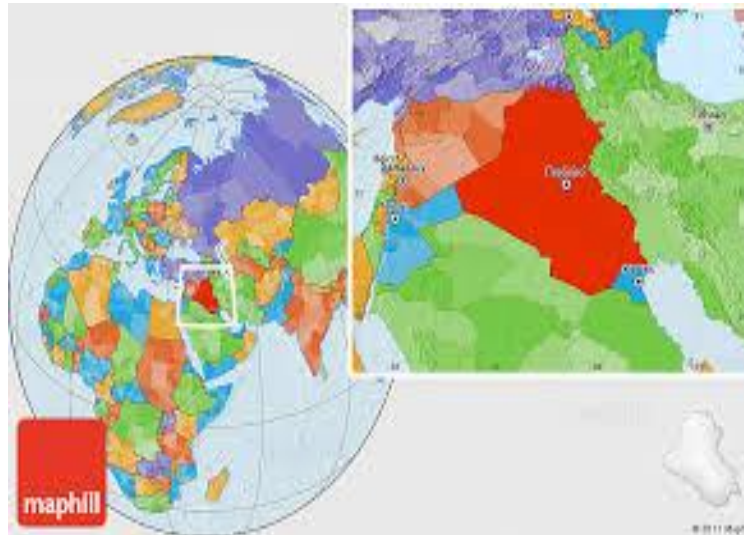
۲-۳ محیط‌شناسی تحقیق

کشور عراق در جنوب غربی آسیا در منطقه خاورمیانه واقع گردیده است. این کشور از نظر وسعت و پهناوری رتبه پنجاهم را در میان کشورهای جهان را دارد و در میان همسایگان پیرامونی خود از نظر وسعت بعد از کشورهای عربستان سعودی، ایران، ترکیه در جایگاه چهارم قرار دارد (نامی و محمدپور، ۱۳۸۹: ۵). وسعت کشور عراق ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع (مساحت آبی ۴۹۱۰ کیلومتر مربع و مساحت خشکی ۴۳۲۱۶۲ کیلومتر مربع) در کنار شمال غربی خلیج فارس بین ۲۹ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۳۹ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این کشور از شمال به ترکیه، از شرق به جمهوری اسلامی ایران، از جنوب شرق به خلیج فارس، از جنوب به کویت و عربستان سعودی و از غرب به اردن و سوریه محدود می‌گردد (سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۳: ۳).

1 Mackinder

2 The Geographical Pivot of History

3 Nicholas J. Spykman



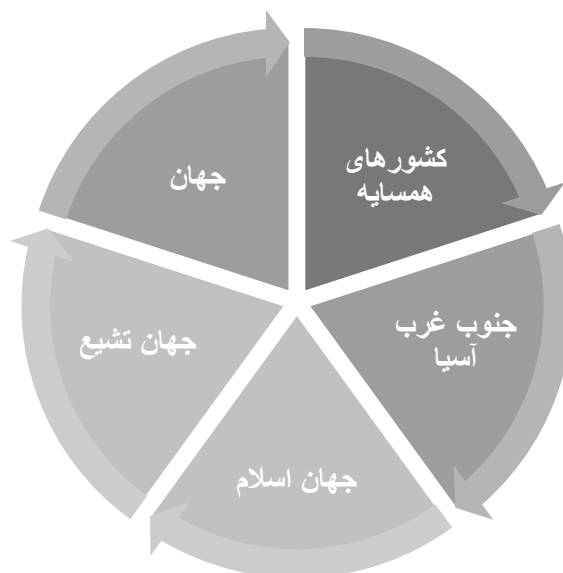
https://www.maphill.com شکل ۱: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک کشور عراق

یافته‌های تحقیق

عراق کشوری با تنگنای ژئوپلیتیکی، موقعیت ژئواکونومیکی مناسب، تنوع قومی و مذهبی و نیز سلطه حاکمان مستبد در طور تاریخ است. موقعیت جغرافیایی عراق از آغاز تأسیس این کشور نقش مهمی در سیاست خارجی آن داشته است، به ویژه به واسطه تصنی بودنش که محصول تصمیمات شورای عالی جامعه ملل (۱۹۲۰م) است. اساساً عدم بلوغ ژئوپلیتیکی عراق ناشی از جغرافیای سیاسی نابسامان این کشور است که به موازات تحولات بین المللی تغییر می‌کند (جون و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۶۶). به نحوی که می‌توان گفت، جغرافیای عراق مهد و رشد بسیاری از جلوه‌های فرهنگی و مدنی قابل توجه بود. از سوی دیگر، محل درگیری‌ها و رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و شکل‌گیری درگیری‌های مذهبی و فرهنگی بوده است. ناپختگی ژئوپلیتیک عراق به دلیل جغرافیای سیاسی سازمان نیافته آن است که به موازات تحولات بین المللی تغییر می‌کند. با فروپاشی امپراتوری عثمانی و تجزیه منطقه‌ای آن، سنگ بنای عراق بر محور سه فضای جغرافیایی: ۱- موصل، محل استقرار کردهای عراق، ۲- بغداد، فضای جغرافیایی اهل سنت و ۳- بصره، فضای جغرافیایی عراقی‌ها گذاشته شد. در آغاز روند نشاط سیاسی ملی عراق، این کشور به مدت یک دهه تحت قیمومیت انگلستان بود، اما با کسب استقلال، گروه‌های سیاسی به قدرت رسیدند و با سقوط سلطنت، حکومت جمهوری جایگزین سلطنت شد و حزب بعث با کودتا علیه قاسم قدرت را به دست گرفت. حضور بعثی‌ها در راس دولت عراق همزمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران و بروز آشفتگی در ساختار ژئوپلیتیکی خاورمیانه، منجر به تغییر استراتژی ژئوپلیتیک عراق شد. معضل ژئوپلیتیکی پیش روی عراق و تکه تکه شدن ساختار ژئوپلیتیکی ایران، عراق را بر آن داشت تا به دنبال گسترش موقعیت ژئوپلیتیکی خود باشد. بنابراین اقداماتی از قبیل اتحاد با قدرت‌های فراملی (البغدادی، ۲۰۱۶: ۱۷)، ایجاد اتحادهای منطقه‌ای مبتنی بر هویت ملی، فشارهای سیاسی-نظامی، شکل‌گیری درگیری مستقیم با ایران و حمله به کویت، همگی بخشی از سیاست‌های منطقه‌ای عراق بود که با هدف گسترش موقعیت ژئوپلیتیکی عراق و تقویت قدرت منطقه‌ای آن در منطقه انجام شد. واکنش منفی قدرت‌های جهانی به حمله عراق به کویت و تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و فراملی علیه این کشور منجر به انزوای ژئوپلیتیکی بیشتر عراق و افزایش فشارهای بین‌المللی

و حمله نظامی آمریکا به سقوط رژیم بعث شد. حذف حزب بعث و خلاء قدرت حاکم در فضای قدرت عراق با حضور بازیگران و فعالان مختلف همراه شد و عاملی شد که گروه‌های سیاسی را بر آن داشت تا به دنبال سهمی از قدرت در عراق باشند. خلاء حاکمیت استبدادی یکپارچه باعث شده است که گروه‌های اجتماعی و سیاسی حضور خود را اعلام کرده و به دنبال اعمال حاکمیت جداگانه بر سرزمین‌های تحت کنترل خود باشند (عبدالله، ۲۰۱۰: ۴۷). این شرایط حاکم بر کشور عراق در کنار، سرعت و دامنه تحولات در عرصه نظام بین الملل، دست اندکاران سیاست خارجی کشورها را ناچار می‌سازد که به منظور تعقیب منافع ملی خود، ارزیابی مستمر و مداومی از جایگاه کشور خویش در نظام بین الملل به عمل آورند و راهبردها و راهکارهای مناسبی را تدبیر و تدوین کنند (عباسی‌اشلقی، ۱۳۸۸: ۲۳۷). تبیین موقعیت ژئوپلیتیکی استراتژیک عراق به عنوان پل ارتباطی خاورمیانه و دروازه انرژی، که آن را به میدان اصلی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (ایالات متحده، عربستان، ترکیه، و قدرت‌های نوظهور) تبدیل کرده است، از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برای طراحی سیاست و روابط منطقه‌ای و جهانی کشور عراق برخوردار است. برای این منظور در قالب پنج پایه به صورت ذیل تلاش می‌شود موقعیت ژئوپلیتیک عراق مورد بحث و بررسی قرار بگیرد:

شکل ۲: موقعیت ژئوپلیتیک عراق موثر بر سیاست و روابط منطقه‌ای و جهانی



۱-۴- موقعیت ژئوپلیتیک عراق و کشورهای همسایه

پیوندهای فضایی و مجاورت جغرافیایی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در روابط بین کشورها برخوردار است چرا که باعث افزایش تعامل امنیتی میان همسایگان در زمینه‌های محیط زیست، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود (پورابراهیم، ۱۳۹۵: ۸۴). موقعیت ژئوپلیتیک عراق در ارتباط با کشورهای همسایه، یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال تعیین‌کننده‌ترین ابعاد جایگاه این کشور در معادلات منطقه‌ای به شمار می‌آید. عراق به دلیل قرارگیری در قلب جنوب غرب آسیا و همجواری با طیفی متنوع از بازیگران منطقه‌ای، در یک فضای ژئوپلیتیکی متراکم و چندلایه قرار دارد که در آن، مجاورت جغرافیایی صرفاً به هم‌مرزی محدود نمی‌شود، بلکه به افزایش تعاملات و وابستگی‌های متقابل امنیتی، سیاسی، اجتماعی و محیط‌زیستی می‌انجامد. این همجواری، هم فرصت‌هایی برای همکاری و هم بسترهایی برای رقابت، تنش و مداخله‌جویی ایجاد کرده است. از این رو، روابط عراق با همسایگان را باید در چارچوب درهم‌تنیدگی مؤلفه‌هایی همچون مسائل هیدروپلیتیک، منابع مشترک مرزی، پیوندهای قومی-هویتی،

مرزهای طولانی و شکننده و محدودیت‌های ژئواستراتژیک تحلیل کرد؛ مؤلفه‌هایی که مجموع آن‌ها، عراق را در یک وضعیت تعامل- چالشی دائمی قرار داده و جایگاه ژئوپلیتیک این کشور را به شدت وابسته به نحوه مدیریت روابط همسایگی ساخته است. مهمترین پایه‌های مؤثر بر موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق با همسایگان در قالب مسائل ذیل معنی پیدا می‌کند:

مسائل هیدروپلیتیک: در سراسر تاریخ بشر دسترسی مطمئن به آب، یک شرط اولیه و اساسی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و پایداری فرهنگ و تمدن بوده است. به گفته آب‌شناسان، آب دیگر یک کالای فراوان و فاقد ارزش اقتصادی نیست، بلکه یک کالای بدون جایگزین و با ارزش اقتصادی زیاد در همه زمینه‌های مصرف می‌باشد. موضوع منابع آب به عنوان یک موضوع بااهمیت در صحنه سیاست داخلی کشور‌های به‌ویژه در مناطق خشک و کم آب جهان از دیرباز همواره مطرح بوده و هم اکنون نیز اهمیت خود را حفظ کرده است (افشار و دهشیری، ۱۳۹۸: ۱۰۰). در این میان، کشور عراق از نظر منابع آب بسیار فقیر است و منبع آبی قابل اتکایی در این کشور وجود ندارد و بیشتر منابع آبی آن از طریق جریان آب از کشور‌های دیگر تأمین می‌شود. در مقابل کشور ترکیه باتوجه به موقعیت اقلیمی و جغرافیایی ویژه، دارای منابع آبی سرشاری است که کشور‌های دیگر نیز به نوعی به آن وابسته‌اند. بر این مبنا کشور ترکیه تلاش دارد تا با بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های هیدروپلیتیک موجود در راستای بهره‌مندی حداکثری از منافع ملی خود بهره‌مند شود (زکی برام، ۱۳۹۸: ۴۲). هیدرو ژئومون ترکیه به صورت‌های مختلف در تلاش است که از منابع آبی خود در راستای تأمین منافع ملی و دستیابی به اهداف خود استفاده نماید. باتوجه به فقر منابع آبی در کشور عراق و از سوی دیگر سیاست‌های هیدرو ژئومونی ترکیه در زمینه منابع آب به صورت‌های مختلف می‌تواند وضعیت منابع آبی در دو کشور عراق (فقر منابع آبی) و ترکیه (غنای منابع آبی) را به عنوان یکی از مؤلفه‌های هیدروپلیتیک اولیه (مستقیم) مؤثر بر مناسبات بین دو کشور عراق و ترکیه (الحیدری، ۱۴۰۱: ۶۱-۶۲) و همچنین عراق و ایران، عراق و سوریه در نظر گرفت.

گروه قومی کرد: یک گروه قومی، اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر است که بصورت واقعی یا احساسی و ادراکی دارای اصل و نصب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی - فرهنگی مشترک است. هم چنین دارای یک یا چند عناصر سمبلیک نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین، و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک می‌باشد که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی- قومی خویش آگاهی دارند. گروه‌های قومی مبتنی بر آگاهی که در فضا‌های جغرافیایی نسبت به خود دارند به صورت‌های مختلف بازیگری و نقش آفرینی می‌کنند و به عنوان یک مؤلفه ژئوپلیتیک برای بازیگران در سطوح بالاتر در کشور‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در این میان گروه قومی کرد در کشور عراق به عنوان دومین گروه قومی این کشور که در حدود ۱۹ درصد جمعیت آن را در بر می‌گیرند. در شمال و شمال شرق عراق و عمدتاً در چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک و بخش‌هایی از استان‌های نینوا، دیاله و صلاح الدین ساکن هستند (فرجی‌راد و قربانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲). با توجه به پراکندگی این گروه قومی در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه قاعدتاً چگونگی همراهی یا کنش دولت‌های مرکزی با این گروه‌ها و از سوی دیگر کنش بین حکومت‌ها که دارای این گروه قومی در داخل مرزهای خود هستند تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

مرزهای طولانی با همسایگان: یکی از همسایه‌های مهم کشور عراق، کشور عربستان است که به دلیل مسائل داخلی و شرایط منطقه‌ای، دو کشور عراق و عربستان در طی سه دهه گذشته دارای طیف وسیعی از روابط از ائتلاف و همکاری تا رقابت و تنش بوده‌اند. سیاست منطقه‌ای عراق و عربستان، به عنوان دو کشور تأثیرگذار در خاورمیانه و جهان عرب، در طول دهه اخیر متأثر از تحولات خاورمیانه شکل گرفته است. عربستان بیشترین مرز خاکی را با عراق دارد و این مرز به دلیل شرایط ویژه جغرافیایی

این منطقه، ناامن، مبهم و غیر قابل دفاع است و این مسئله همواره منشأ نگرانی‌های امنیتی برای این کشور بوده است (جونى و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۶۷).

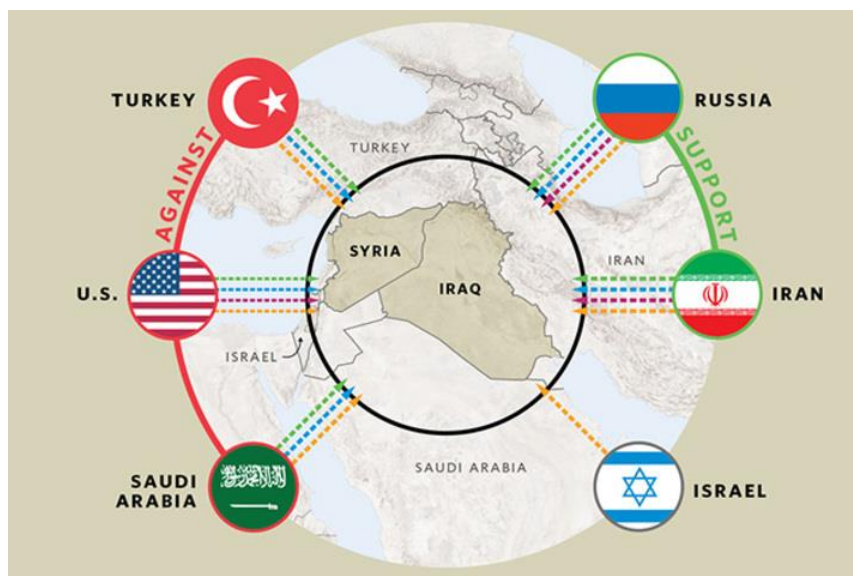
از جمله دیگر مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر روابط عراق با کشورهای همسایه می‌توان به منابع مشترک مرزى، دسترسی محدود به آب‌های آزاد، پیوستگی فضایی-جغرافیایی و غیره اشاره کرد.

در مجموع، موقعیت ژئوپلیتیک عراق در ارتباط با کشورهای همسایه، بیش از آنکه صرفاً تابع مجاورت جغرافیایی باشد، برآیند درهم‌تنیدگی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و هویتی است که این کشور را در یک فضای تعاملی-چالشی دائمی قرار داده است. مجاورت جغرافیایی عراق با طیف متنوعی از همسایگان، موجب افزایش سطح تعاملات امنیتی، سیاسی، اجتماعی و محیط‌زیستی شده و به‌طور هم‌زمان، فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی متعددی را برای این کشور ایجاد کرده است. مسائل هیدروپلیتیکی، به‌ویژه وابستگی عراق به رودخانه‌های فرامرزی و سیاست‌های آبی کشورهای بالادست، یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر روابط بغداد با همسایگان به شمار می‌آید و مستقیماً بر امنیت انسانی، اقتصادی و سیاسی این کشور تأثیر می‌گذارد. در کنار آن، منابع مشترک انرژی، به‌ویژه میدان نفت و گاز مرزى، هم زمینه همکاری و هم بستر رقابت ژئوپلیتیکی را میان عراق و همسایگانش فراهم کرده است. عامل هویتی-قومیتی، به‌ویژه مسئله کردها و پراکندگی جغرافیایی این گروه قومی در عراق و کشورهای همجوار، بُعد دیگری از پیچیدگی موقعیت ژئوپلیتیک عراق را شکل می‌دهد؛ عاملی که هم در سیاست داخلی و هم در مناسبات منطقه‌ای این کشور نقش تعیین‌کننده دارد. افزون بر این، مرزهای طولانی و بعضاً ناامن عراق با همسایگان، به‌ویژه با عربستان سعودی، این کشور را با چالش‌های امنیتی مزمنی مواجه ساخته است؛ مرزهایی که به دلیل ویژگی‌های طبیعی، ضعف کنترل فضایی و تحولات امنیتی منطقه، همواره مستعد بی‌ثباتی و نفوذپذیری بوده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت که موقعیت ژئوپلیتیک عراق در نظام همسایگی، ماهیتی دوگانه دارد: از یک‌سو ظرفیت بالایی برای ایفای نقش پیونددهنده و متعادل‌کننده در جنوب غرب آسیا فراهم می‌کند و از سوی دیگر، در صورت فقدان یک راهبرد منسجم در ساماندهی فضا و مدیریت روابط همسایگی، می‌تواند این کشور را به کانون تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای بدل سازد. از این منظر، آینده جایگاه منطقه‌ای عراق به میزان توان دولت در درک مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی همسایگی و تبدیل آن‌ها از عوامل تهدیدزا به منابع قدرت و همکاری منطقه‌ای وابسته است.

۲-۴- موقعیت ژئوپلیتیک عراق و منطقه جنوب غرب آسیا

ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک هر منطقه در جهان، نقش بسزایی در شکل‌گیری ویژگی‌های روابط بین‌الملل در آن منطقه ایفا می‌کند که به نوبه خود، در نظام بین‌الملل جهانی نمود پیدا می‌کند. از این رو، مطالعه جغرافیای سیاسی اساساً مبتنی بر عامل جغرافیا است، زیرا این عامل یکی از تأثیرگذارترین موارد در رفتار یک دولت در سطوح داخلی و خارجی محسوب می‌شود. بر این اساس، خاورمیانه به دلیل برخورداری از منابع اقتصادی و انرژی بسیار چشمگیر مانند نفت و گاز، و موقعیت ژئواستراتژیک خود، در زمره مهم‌ترین مناطق جهان قرار دارد؛ به‌ویژه عراق که در قلب این منطقه واقع شده است. این منطقه به محل رقابت قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه تبدیل شده است. این کشورها همواره مشتاق حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود در این منطقه بوده‌اند (عبد، ۲۰۱۰: ۸۷). این منطقه به محل بحران‌های سیاسی، جنگ‌ها و تحمیل اراده‌ها و راهبردها تبدیل شده است. این امر تأثیر عمیقی بر زندگی مردم منطقه و همچنین بر ثبات و امنیت ملی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها داشته است. عراق یکی از کشورهایی است که به شدت تحت تأثیر این بحران‌ها قرار گرفته است، زیرا روابط مهم و نزدیکی با ایالات متحده، چین، روسیه، ایران و سایر کشورهای دارای نفوذ و منافع در خاورمیانه دارد (مونیس، ۲۰۱۴: ۶۷). عراق در بخش مرکزی جنوب غرب آسیا و در کانون تلاقی منافع متضاد قدرت‌های بین‌المللی (نظیر آمریکا، چین، و روسیه) قرار دارد. این موقعیت، در کنار بی‌ثباتی‌های داخلی پس از تغییرات ۲۰۰۳، زمینه‌ساز مداخله‌جویی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

بوده است. نقش ژئواستراتژیک عراق از حوزه صرفاً اقتصادی (تأمین نفت و انرژی) فراتر رفته و به یک مرکز ثقل ژئوپلیتیک تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که این کشور اکنون کلید حضور و تثبیت نفوذ قدرت‌های بزرگ در منطقه تلقی می‌شود. اگرچه استراتژی‌های آمریکا همچنان بر تسلط بر منابع انرژی خلیج فارس برای جلوگیری از تهدیدات اقتصادی جهانی تمرکز دارد و گسترش نفوذ در آسیای میانه را برای مقابله با رقبایی چون چین دنبال می‌کند (چینی که دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت است)، اما اهمیت عراق فراتر از این محاسبات صرفاً اقتصادی است. این درگیری و رقابت ژئوپلیتیک جهانی، به‌خصوص میان آمریکا و دیگر بازیگران اصلی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر روند تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی عراق سایه افکنده است. ابهام هویتی و جغرافیایی منطقه (مانند مرزبندی‌های متغیر میان "جهان اسلام"، "جهان عرب" و "خاورمیانه") نیز بر پیچیدگی این سیاست‌گذاری‌ها افزوده و تلاش عراق برای تعریف یک جایگاه منطقه‌ای روشن پس از سال ۲۰۰۳ را دشوار ساخته است (عدوان، ۲۰۱۹: ۴۸۸). این موقعیت را می‌توان در قالب مدل ذیل ملاحظه کرد:



شکل ۳: موقعیت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی عراق

پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۹

در نتیجه، سیاست خارجی بغداد ناگزیر است در چارچوب معادلات قدرت‌های بزرگ و رقابت‌های منطقه‌ای تعریف شود. منطقه خاورمیانه شاهد رقابت بین‌المللی بزرگی میان کشورهای بزرگ در منطقه است که این رقابت در کشورهای منطقه و منافع آنها منعکس می‌شود. این رقابت که منجر به ورود منطقه به بحران‌های بین‌المللی شده است، پیامدهای خطرناکی بر امنیت ملی و عراق که در قلب منطقه خاورمیانه قرار دارد، خواهد داشت. بدیهی است که موقعیت استراتژیک مهم و متمایز و منابع فراوان، می‌تواند در صورت وجود یک نظام سیاسی باثبات و درک خوب از اهمیت موقعیت و منابع و نحوه به کارگیری آنها در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی و ایجاد یک دولت قدرتمند و توانمند منطقه‌ای، تأثیر مثبتی بر قدرت دولت داشته باشد. در مقابل، موقعیت جغرافیایی متمایز ممکن است به دلیل سوءاستفاده از تصمیم‌گیری‌های نادرست، منجر به تضعیف قدرت دولت شود و دولت را طعمه‌ای برای اهداف کشورهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای تحقق منافع خود قرار دهد. عراق به طور خاص در مرکز

منطقه خاورمیانه و در محل تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ و رقابت شدید آنها قرار دارد و عدم ثبات ناشی از آن، این کشور را هدفی برای مداخلات تمامی طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای تحقق منافع خود ساخته است. علاوه بر این، عراق یکی از مهم‌ترین کشورهای تأثیرگذار در منطقه جنوب غرب آسیا است (عدوان، ۲۰۱۹: ۴۸۹). از سوی دیگر باید توجه داشت کشور عراق از نظر ژئواستراتژیک نیز اهمیت بالایی دارا می‌باشد به نحوی که از سال ۲۰۰۳، عراق به عنوان یک حائل استراتژیک برای ایران در برابر تهدیدات مختلف، به ویژه از سوی گروه‌های افراطی سنی - مانند گروه دولت اسلامی (داعش) - که تهدیدی مستقیم برای امنیت ایران و متحدان شیعه آن در منطقه هستند، عمل کرده است. علاوه بر این، این کشور در برابر تجاوز نظامی احتمالی یا فشار سیاسی از سوی قدرت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده، که حضور نظامی قابل توجهی در عراق داشته است، حائل است. همچنین به عنوان مانعی در برابر نفوذ کشورهای منطقه‌ای تحت سلطه سنی‌ها، مانند عربستان سعودی، که از نظر تاریخی رقیب ایران بوده‌اند، عمل می‌کند (Seloom, 2024).

در مجموع، موقعیت ژئوپلیتیک عراق در منطقه جنوب غرب آسیا، حاصل همزمانی سه عامل کلیدی است: مرکزیت جغرافیایی، وفور منابع راهبردی و قرارگیری در کانون رقابت قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای. این ترکیب، عراق را از یک کشور پیرامونی به یک گره ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده تبدیل کرده است؛ گره‌ای که ثبات یا بی‌ثباتی آن، پیامدهایی فراتر از مرزهای ملی دارد و بر کل نظم امنیتی و سیاسی منطقه اثر می‌گذارد. پس از سال ۲۰۰۳، عراق بیش از آنکه کنشگر فعال ژئوپلیتیکی باشد، به عرصه‌ای برای کنش دیگران بدل شده است؛ عرصه‌ای که در آن رقابت آمریکا، چین و روسیه در سطح جهانی، و تعارض منافع بازیگران منطقه‌ای در سطح منطقه‌ای، به‌صورت هم‌زمان تلاقی یافته‌اند. این وضعیت، سیاست خارجی بغداد را ناگزیر به حرکت در میان موازنه‌های شکننده و بعضاً متعارض کرده و امکان تعریف یک راهبرد مستقل و پایدار را با چالش جدی مواجه ساخته است. در عین حال، اهمیت ژئواستراتژیک عراق برای بازیگرانی چون ایران، نشان می‌دهد که این کشور نه‌تنها میدان رقابت، بلکه بخشی از معماری امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود؛ به‌ویژه به‌عنوان حائل امنیتی، عمق راهبردی و حلقه اتصال جغرافیایی میان کانون‌های بحران و قدرت. از این منظر، آینده قدرت و نقش عراق نه صرفاً به موقعیت جغرافیایی آن، بلکه به توان دولت در ساماندهی فضا، مدیریت تنوع داخلی و تبدیل موقعیت به منبع قدرت وابسته است. در غیر این صورت، همین موقعیت ممتاز می‌تواند به عاملی برای تداوم مداخله‌جویی، بی‌ثباتی و تضعیف دولت ملی عراق بدل شود.

۳-۴- موقعیت ژئوپلیتیک عراق و جهان اسلام

جهان اسلام، منطقه‌ای مشتمل بر مجموعه فضای پیوسته از کشور مغرب در افریقای شمالی تا شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق افریقا و چند قسمت ناپیوسته در جنوب و جنوب‌شرقی آسیا و اروپا و حوزه‌های کوچک مسلمان‌نشین جهان (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۴۰۴). سرزمین‌های اسلامی بین ۲۰ درجه غربی (از نصف النهار گرینویچ) و ۱۴۰ درجه طول شرقی و نیز بین ۱۰ درجه عرض جنوبی و ۵۰ درجه عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته‌اند. غربی‌ترین کشور اسلامی در غرب آفریقا واقع است که نگال نام دارد و شرقی‌ترین آن اندونزی می‌باشد که در آسیای جنوب شرقی قرار دارد. بین غربی‌ترین و شرقی‌ترین کشور مسلمان بیش از ۱۰ ساعت اختلاف زمان وجود دارد. ترکیه و آلبانی شمالی‌ترین و اندونزی جنوبی‌ترین کشور مسلمان و نیز تنها کشور اسلامی آسیا است که بخش اعظم آن در نیم کره جنوبی قرار دارد. کشورهای اندونزی، بحرین، مالزی، مالدیو و کومور در میان کشورهای اسلام موقع مجمع الجزایری و جزیره‌ای دارند ولی برعکس کشورهای نظیر افغانستان، بورکینافاسو، چاد و موریتانی در خشکی محصور بوده و از هیچ راهی به دریا راه ندارند (حوزه، ۱۳۸۸). مساحت جهان اسلام، شامل ۵۱ کشور، برابر با ۳۲٬۴۲۲٬۵۲ کیلومتر مربع است که در حدود ۲۲٪ خشکی‌های سطح زمین را در بر می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۶). در این میان، کشور

عراق در جهان اسلام در بخش مرکزی قرار دارد. این موقعیت مرکزی در جهان اسلام به عراق نقش و وزن ژئوپلیتیک برجسته‌ای داده است که برخی از این مولفه‌ها به صورت ذیل است:

موقعیت مرکزی عراق در جغرافیای جهان اسلام (قلب ارتباطی شرق- غرب جهان اسلام):

قرارگیری در کانون اتصال جهان عرب، ایران و آناتولی

تمرکز بالای اماکن مقدس اسلامی، به‌ویژه در تشیع (نجف، کربلا، کاظمین، سامرا)

نقش تاریخی عراق در شکل‌گیری تمدن و خلافت اسلامی

نقش عراق در اسلام سیاسی و گفتمان مقاومت

وزن بالای عراق در موازنه مذهبی شیعه-سني

ظرفیت تبدیل موقعیت مذهبی به قدرت نرم اسلامی

باید توجه داشت از دیدگاه جغرافیای سیاسی، پیدایش نهضت‌های اسلامی، به منزله‌ی یکی از عوامل متغیر ژئوپلیتیک، موجب افزایش حساسیت‌ها در مورد دیگر عوامل ثابت آن شده است. از این دیدگاه، با توجه به مرام و ایدئولوژی خاص جنبش‌های اسلامی، دستیابی آنها به منابع نفتی، قدرت سیاسی مناطق حساس و ترانزیت جغرافیایی، اهمیت ژئوپلیتیک آنها را چند برابر می‌کند (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۹).

در مجموع، موقعیت ژئوپلیتیک عراق در جهان اسلام را می‌توان برآیند هم‌زمان مرکزیت جغرافیایی، عمق تاریخی- تمدنی و ظرفیت‌های مذهبی- ایدئولوژیک دانست که این کشور را به یکی از کانون‌های تعیین‌کننده در معادلات اسلامی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بدل کرده است. قرارگیری عراق در قلب جغرافیای جهان اسلام و در نقطه اتصال جهان عرب، ایران و آناتولی، به این کشور نقشی پیونددهنده و در عین حال حساس بخشیده است؛ نقشی که آن را به محل تلاقی جریان‌های فکری، مذهبی و سیاسی جهان اسلام تبدیل می‌کند. تمرکز بالای اماکن مقدس اسلامی، به‌ویژه آستان‌های شیعی، در کنار نقش تاریخی عراق در شکل‌گیری تمدن و خلافت اسلامی، به این سرزمین جایگاهی نمادین و هویتی در ذهنیت جمعی مسلمانان بخشیده است. این جایگاه، عراق را از یک واحد صرفاً جغرافیایی فراتر برده و آن را به یک فضای ژئوپلیتیکی معنادار در جهان اسلام تبدیل کرده است. از سوی دیگر، نقش‌آفرینی عراق در اسلام سیاسی و گفتمان مقاومت، وزن این کشور را در تحولات معاصر جهان اسلام افزایش داده و آن را به یکی از بازیگران اثرگذار در بازتعریف موازنه قدرت مذهبی، به‌ویژه در نسبت شیعه- سنی، بدل ساخته است. در این چارچوب، عراق دارای ظرفیت بالایی برای تبدیل موقعیت مذهبی و تاریخی خود به قدرت نرم اسلامی است؛ ظرفیتی که می‌تواند در قالب بسیج اجتماعی، مشروعیت‌بخشی گفتمانی و تأثیرگذاری فراملی در جهان اسلام بروز یابد. چنان‌که از منظر جغرافیای سیاسی، پیدایش و گسترش نهضت‌های اسلامی به‌عنوان عوامل متغیر ژئوپلیتیک، حساسیت نسبت به عوامل ثابت نظیر موقعیت جغرافیایی، منابع انرژی و مسیرهای ترانزیتی را تشدید کرده و اهمیت ژئوپلیتیک فضاهایی چون عراق را دوچندان ساخته است. بنابراین، جایگاه عراق در جهان اسلام نه‌تنها محصول موقعیت مکانی آن، بلکه نتیجه پیوند عمیق میان جغرافیا، مذهب، تاریخ و ایدئولوژی است؛ پیوندی که در صورت مدیریت هوشمندانه، می‌تواند این کشور را به یکی از محورهای اثرگذار نظم اسلامی منطقه‌ای تبدیل کند.

۴-۴- موقعیت ژئوپلیتیک عراق و جهان تشیع

بحث پیرامون موقعیت ژئوپلیتیک عراق در جهان تشیع در قالب بحث ژئوپلیتیک تشیع معنی پیدا می‌کند. ژئوپلیتیک شیعه، گستره و دامنه تاریخی و سیاسی شیعه در کشورهای جهان اسلام و غرب آسیا که با هارتلند ایران ارتباط و پیوند دارد. پراکندگی جغرافیایی و گستره جغرافیایی شیعه که لبنان، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را در بر گرفته و شیعیان را به دسته غالب اکثریتی و اقلیت کوچک شیعی تقسیم کرده و شامل بالکان، آفریقا و برخی از کشورهای اروپایی را نیز می‌شود، ژئوپلیتیک شیعه می‌نامند (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۶۷). به بیان دیگر ژئوپلیتیک شیعه، به

مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ یا هارتلند ایران است (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۳). شیعیان یکی از پراکنده‌ترین مذاهب حال حاضر جهان هستند. پراکندگی شیعیان هم از نظر تاریخی و هم از نظر دلالت‌های فرهنگی و سیاسی آنها، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (توال، ۱۳۸۲: ۱۴). چرا که جنبش‌های شیعی امروزه، استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که اغلب موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده‌اند (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۳). این مسئله و اهمیت شیعیان با تغییرات بعد از سال ۲۰۰۳ در کشور عراق و قدرت‌گیری شیعیان به صورت برجسته خود را در نقش‌آفرینی، بازیگری و ارتقاء سطح و وزن ژئوپلیتیک عراق در جهان تشیع شده است. به نحوی که تحولات عراق در واقع تجدید حیات تشیع در عراق را ایجاد کرد که پیامدهای گسترده‌ای نه فقط برای توسعه‌ی سیاسی آینده‌ی عراق، بلکه برای تحولات آینده در خاورمیانه دارد که موازنه‌ی قدرت را به نفع شیعیان بر هم زده است (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۶). (شکل ۴).



شکل ۴: موقعیت عراق در جهان تشیع

<https://geopoliticalfutures.com>

کشور عراق با دارا بودن شرایط خاص و دارا بودن مکان‌های مذهبی متعدد و متنوع به صورت‌های مختلف امکان استفاده و بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها می‌تواند داشته باشد به ویژه از مراسم اربعین حسینی که چندین میلیون نفر از کشورهای دیگر در آن شرکت دارند. بنابراین از آنجا که مجموعه بارورها، ارزش‌ها، آموزه‌ها و نمادهای مذهب یک جامعه نقش مهمی در شکل‌دادن به گرایش و جهت‌گیری مردم آن جامعه در قبال نظام سیاسی ایفا می‌نماید. بر این مبنا، مذهب در قالب ژئوپلیتیک مذهبی به یکی از عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر سیاست‌ خارجی و استراتژی‌های کشورهای تبدیل شود. در این میان مذهب تشیع به عنوان یکی از سرچشمه‌های قدرت و نقش‌آفرینی کشور عراق می‌تواند در نظر

گرفته شود که به صورت‌های مختلف بر کنش و روابط آن با کشورهای دیگر تأثیرگذار است و باید به عنوان یک مولفه ژئوپلیتیک کشور عراق در نظر گرفته شود چرا که مذهب تشیع به صورت‌های مختلف در پیوند نزدیکی نیز با مسائل و مباحث سیاسی قرار دارد (سیف، ۱۴۰۳: ۱۷۳). مهمترین پیوندها و پایه‌های عراق در ژئوپلیتیک جهان تشیع به صورت ذیل است:

عراق و مرکزیت آستان‌های مبارک ائمه شیعیان: مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی متناسب با اهمیت و جایگاه برجسته‌ای که دارا می‌باشند به عنوان یک منبع جغرافیایی قدرت برای کشورها مطرح شوند. در این میان وجود بارگاه مطهر ائمه اطهار شیعیان در کشور عراق نظیر کربلا، نجف، کاظمین و سامرا به صورت‌های مختلف این مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی را به صورت یک منبع جغرافیایی قدرت برجسته برای کشور عراق در کنش‌ها و سیاست‌ها در مواجهه با سایر بازیگران تبدیل کرده است. مبتنی بر اهمیت و جایگاه برجسته این مکان‌ها عراق می‌تواند برای پیشبرد اهداف و منافع خود بهره‌برداري کند. چرا که، ارزش این مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی در شکل دهی به گروه بندی‌ها، مناسبات و غیره تا حد قابل توجهی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است (حمید، ۱۴۰۲: ۱۰۱). این مسئله در روابط بین عراق و کشورهای دیگر در جهان تشیع اثرگذار است.

عراق و مرکزیت هویت بخشی به اسلام سیاسی: اسلام سیاسی مبتنی بر مکتب کربلا عمل کرده و مهمترین اقدام آنها مقاومت اسلامی و مبارزه با ظلم و قوای اشغالگر است. شهادت طلبی، ایثار و از خودگذشتگی از ویژگی ممتاز فقه سیاسی تشیع است که امروز در شیعیان جهان فعال شده و به عنوان یک شاخصه مهم و تأثیرگذار در محور مقاومت است. فرهنگ شهادت طلبی الگوگیری از فرهنگ عاشورا و در دوره معاصر با نهضت امام خمینی (رحمت الله) و انقلاب اسلامی اوج گرفته در جهان اسلام و عرصه بین‌المللی نقش آفرینی کرده است (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۸۲). این مسئله در کشور عراق به عنوان بخشی از مسائل مرتبط با جهان تشیع از اهمیت و وزن ژئوپلیتیک برجسته‌ای برخوردار است.

عراق و مرجعیت مذهبی شیعیان: با توجه به تحولات صورت گرفته در کشور عراق بعد از سال ۲۰۰۳ نهاد مرجعیت به عنوان یکی از حلقه‌های مهم تأثیرگذار بر تمامی تحولات کشور عراق پس از صدام تبدیل شده است و به همین دلیل می‌توان به طور غیر مستقیم آن را یکی از حلقه‌های مهم و اثرگذار بر سیاست گذاری خارجی قلمداد کرد. ایشان در پایه ریزی سیاست گذاری امنیتی مردم پایه (حشد شعبی) و سایر گروه‌ها که در پیوند نزدیک با ایران هستند اثرگذار بوده و به عبارت بهتر در راستای نفی چنین نظامی- امنیتی آمریکایی‌ها در عراق و هدایت نخبگان عراقی به سمت استقلال در تصمیم گیری نقش به سزایی داشته است (عبدالرزاق، ۲۰۲۰). بر این مبنا، با توجه به پیوندی که بین مراجع و مذهب تشیع وجود دارد می‌تواند مرجعیت در کشور عراق را به عنوان یکی از مولفه‌های موثر بر سیاست خارجی کشور عراق تبدیل شده است. به عنوان مثال، آیت الله سیستانی مرجعیت شعبی در کشور عراق، دارای جایگاه معنوی در عراق و به عنوان مرجعیت شیعی برجسته بود که در ساختار قدرت سیاسی حضور ندارد، ولی میان مردم و تحولات سیاسی عراق نقش مهم و برجسته دارد. قرار نگرفتن آیت الله سیستانی در دایره سیاست و قدرت عراق به منزله سیاست گریزی نیست. رویکرد آیت الله سیستانی فراتر از یک دوت و دستگاه حاکمیتی عراق بوده و در برهه اشغال توسط آمریکا و تصرف خاک عراق به وسیله گروه‌های تروریستی و تکفیری، نقش مهم و برجسته‌ای داشت. اعلام فتوای جهاد و مقاومت در برابر گروه‌های تروریستی تکفیری در سال ۲۰۱۴ و همچنین پیش از آن در بیرون راندن آمریکایی‌ها مداخله موثری داشته است (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۸۳).

عراق به عنوان مرکزیت اجتماع بزرگ اربعین، موقعیت استراتژیک شیعیان نسبت به منابع نفتی و گاز، و موارد دیگر را نیز می‌توان به عنوان مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر روابط کشور عراق با سایر بازیگران منطقه‌ای و جهانی در نظر گرفت.

در مجموع، موقعیت ژئوپلیتیک عراق در جهان تشیع را باید در چارچوب «ژئوپلیتیک تشیع» و به‌مثابه یکی از مهم‌ترین منابع غیرمادی قدرت این کشور در جنوب غرب آسیا تحلیل کرد. پراکندگی جغرافیایی شیعیان در گستره‌ای وسیع از غرب آسیا تا جنوب آسیا و فراتر از آن، و پیوند تاریخی و هویتی این گستره با هارتلند ایران، سبب شده است که تشیع نه تنها یک هویت مذهبی، بلکه یک واقعیت ژئوپلیتیکی فعال با پیامدهای سیاسی، امنیتی و راهبردی باشد. در این میان، عراق به دلیل تحولات پس از سال ۲۰۰۳، به یکی از کانون‌های اصلی بازتعریف و بازتولید نقش تشیع در معادلات منطقه‌ای تبدیل شده است. تحولات سیاسی عراق پس از سقوط رژیم بعث، به بازگشت شیعیان به متن قدرت سیاسی انجامید و در عمل، زمینه‌ساز «تجدید حیات ژئوپلیتیکی تشیع» در این کشور شد؛ تحولی که پیامدهای آن فراتر از مرزهای عراق، موازنه قدرت در خاورمیانه را نیز تحت تأثیر قرار داد. افزایش وزن سیاسی شیعیان در ساختار قدرت عراق، این کشور را به یک بازیگر محوری در شبکه ژئوپلیتیک شیعیان بدل کرده و جایگاه آن را در تعامل با سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارتقا داده است. وجود آستان‌های مقدس ائمه اطهار (ع) در شهرهایی چون نجف، کربلا، کاظمین و سامرا، عراق را به یک کانون بی‌بدیل ژئوپلیتیک مذهبی تبدیل کرده است؛ کانونی که می‌تواند به‌عنوان یک «منبع جغرافیایی قدرت» در شکل‌دهی به مناسبات، انتلاف‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی ایفای نقش کند. این مکان‌های مقدس، علاوه بر کارکردهای مذهبی، ظرفیت بالایی در بسیج اجتماعی، تولید سرمایه نمادین و تقویت پیوندهای فراملی شیعی دارند. از سوی دیگر، نقش عراق در هویت‌بخشی به اسلام سیاسی شیعی، مبتنی بر مکتب کربلا و فرهنگ عاشورا، جایگاه این کشور را در محور مقاومت و جریان‌های ضدسلطه برجسته ساخته است. مفاهیمی چون شهادت‌طلبی، ایثار و مقاومت، که ریشه در فقه سیاسی تشیع دارند، از طریق تجربه تاریخی عراق و تحولات معاصر آن، به عناصر فعال در ژئوپلیتیک منطقه‌ای تبدیل شده‌اند. در این چارچوب، مرجعیت شیعه، به‌ویژه مرجعیت نجف، با ایفای نقشی فراتر از دولت و ساختار رسمی قدرت، به یکی از ستون‌های ثبات و کنشگری ژئوپلیتیکی عراق بدل شده است؛ نقشی که در بزنگاه‌هایی چون مقابله با اشغال خارجی و تهدیدات تروریستی، به‌طور عینی خود را نشان داده است. همچنین، اجتماع میلیونی اربعین حسینی را می‌توان نماد عینی پیوند ژئوپلیتیک، هویت مذهبی و قدرت نرم عراق دانست؛ رویدادی که نه تنها بزرگ‌ترین تجمع مذهبی جهان محسوب می‌شود، بلکه به‌عنوان یک شبکه اجتماعی-فضایی فراملی، ظرفیت بالایی در تولید همبستگی شیعی، بازنمایی قدرت نرم و تثبیت جایگاه عراق در ژئوپلیتیک جهان تشیع دارد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که تشیع برای عراق صرفاً یک مؤلفه هویتی یا مذهبی نیست، بلکه یک منبع ژئوپلیتیکی راهبردی است که در صورت مدیریت هوشمندانه و ساماندهی هدفمند، می‌تواند جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور را تقویت کند. در مقابل، نادیده گرفتن یا به‌مورداری نادرست از این ظرفیت، می‌تواند آن را به عاملی برای تشدید شکاف‌های داخلی و افزایش فشارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه عراق بدل سازد.

۴-۵- موقعیت ژئوپلیتیک عراق و جهان

در عصر حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک، اقتصاد نقشی برجسته‌تر از هر زمان دیگر یافته و ژئوپلیتیک انرژی فصل نوینی را در روابط بین‌المللی گشوده است. به نظر می‌رسد منابع انرژی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیکی در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی میان کشورها و نیز انتقال از مکان‌ها و فضاها بدون انرژی، و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی، و نیز تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی مهمی تبدیل نموده است. (هاوری یاسین، ۲۰۱۵: ۷۸). از این رو منابع تامین انرژی، مسیرهای انتقال انرژی، بازارهای مصرف، تجارت انرژی، فناوری انرژی و نظایر آن اعتبار ویژه‌ای پیدا می‌کنند. مساله دسترسی و تامین انرژی برای نیازمندان آن و نیز امنیت مسیرهای انتقال انرژی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فوق‌العاده اهمیت

دارد (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۰۳). بر این اساس، دارا بودن ذخایر و منابع انرژی نفت و گاز را می‌توان از جمله عوامل ژئوپلیتیکی به حساب آورد. از آنجا که عراق یکی از تولیدکنندگان و دارندگان برجسته نفت و گاز در جهان است قاعدتاً مولفه‌های هم پیوند با انرژی روی موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق و وزن ژئوپلیتیک این کشور اثرگذاری گسترده‌ای داشته است. در ذیل به برخی از این مولفه‌های موثر بر موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق در شکل‌دهی به روابط در سطح جهانی اشاره شده است:

منابع عظیم نفت و گاز (جزو بزرگ‌ترین ذخایر اثبات‌شده جهان)

جایگاه کلیدی در امنیت انرژی جهانی

قرارگیری در کریدورهای ترانزیتی جهانی انرژی و کالا

ظرفیت بالای تأثیرگذاری بر قیمت و عرضه انرژی جهانی

تبدیل‌شدن به میدان رقابت قدرت‌های بزرگ (آمریکا، چین، روسیه)

متناسب با این مولفه‌های ژئوپلیتیک، نظیر منابع متنوع انرژی و به ویژه نفت و گاز سبب شده است که عراق به صحنه رقابت بین‌المللی در منطقه خاورمیانه و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است (عدوان، ۲۰۲۰: ۱۷۶). از سوی دیگر در پی وقایع پس از سال ۲۰۰۳، عراق به میدان نبرد منافع سیاسی رقیب بین ایالات متحده و ایران تبدیل شده است. پس از شکست نظامی داعش در عراق در سال ۲۰۱۷، کنترل بسیاری از پایگاه‌های تحت کنترل ایالات متحده تا حد زیادی به دولت عراق منتقل شد و این امر باعث بحث‌های دوجانبه بعدی در مورد خروج نیروهای آمریکایی از عراق شد. در پی جنبش اعتراضی «تشرین» در سال ۲۰۱۹ و ادامه اعتراضات گسترده در سال‌های بعد، شورای نمایندگان عراق تصمیمی غیر الزام‌آور مبنی بر اخراج تمام نیروهای خارجی از این کشور تصویب کرد که منجر به خروج جزئی نیروهای آمریکایی از عراق شد. در واقع، روابط خارجی با عراق، به ویژه با ایالات متحده و دولت‌های غربی، به طور قابل توجهی با طبقه‌بندی دولت عراق به عنوان بخشی از به اصطلاح «محور مقاومت»، یک ائتلاف سیاسی و نظامی غیررسمی که تحت حمایت ایران فعالیت می‌کند، شکل گرفته است (Baquer et al., 2025: 18-19).

در مجموع، موقعیت ژئوپلیتیک عراق در مقیاس جهانی را باید حاصل پیوند میان منابع عظیم انرژی، جایگاه راهبردی در امنیت انرژی جهان و قرارگیری در کانون رقابت قدرت‌های بزرگ دانست. برخورداری عراق از ذخایر گسترده نفت و گاز، این کشور را به یکی از بازیگران کلیدی در زنجیره تأمین انرژی جهانی و به تبع آن، به عنصری اثرگذار در ثبات یا بی‌ثباتی بازارهای جهانی انرژی تبدیل کرده است. این ظرفیت، در کنار نقش عراق در کریدورهای ترانزیتی انرژی و کالا، اهمیت ژئواکونومیک این کشور را در سطح بین‌المللی دوچندان ساخته است. تحولات پس از سال ۲۰۰۳، به‌ویژه فروپاشی نظم پیشین و شکل‌گیری ساختار سیاسی جدید، عراق را به عرصه‌ای برای تقاطع و تعارض منافع قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بدل کرده است؛ به‌گونه‌ای که رقابت میان ایالات متحده، ایران، و در سطحی وسیع‌تر چین و روسیه، به‌طور مستقیم در فضای سیاسی، امنیتی و اقتصادی این کشور بازتاب یافته است. در این چارچوب، عراق نه تنها به عنوان منبع انرژی، بلکه به مثابه یک فضای ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده در راهبردهای مهار، نفوذ و توازن قوای جهانی تلقی می‌شود. پس از شکست نظامی داعش و بازتعریف حضور نظامی ایالات متحده، و در پی تحولات اجتماعی و سیاسی داخلی نظیر اعتراضات «تشرین»، مسئله حاکمیت، حضور نیروهای خارجی و جهت‌گیری سیاست خارجی عراق به یکی از محورهای اصلی مناقشه ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. طبقه‌بندی عراق در چارچوب «محور مقاومت» نیز بر پیچیدگی جایگاه بین‌المللی این کشور افزوده و روابط آن با قدرت‌های غربی را در بستری از تنش، موازنه‌گری و چانه‌زنی ژئوپلیتیکی قرار داده است. بر این اساس، می‌توان گفت که عراق در نظام جهانی نه صرفاً یک تولیدکننده انرژی، بلکه یک گره ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیک است که ثبات یا بی‌ثباتی آن پیامدهایی فراتر از مرزهای ملی دارد. آینده نقش جهانی عراق، به میزان توان

دولت در مدیریت رقابت قدرت‌های بزرگ، بهره‌برداری هوشمندانه از منابع انرژی و تبدیل موقعیت ژئوپلیتیک از میدان رقابت به منبع قدرت و چانه‌زنی بین‌المللی وابسته است.

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

در دورانی که با تغییر پویایی‌های جهانی و تشدید بی‌ثباتی منطقه‌ای مشخص می‌شود، عراق با چالش‌ها و فرصت‌هایی برای تثبیت جایگاه خود در صحنه بین‌المللی روبرو است. در حالی که این کشور در تلاش است تا ثبات سیاسی و امنیتی به سختی به دست آمده را تثبیت کند و نقش استراتژیک خود را بازتعریف کند، دیپلماسی سنتی به تنهایی دیگر برای رسیدگی به پیچیدگی‌های این واقعیت در حال تغییر کافی نیست. کانال‌های رسمی روابط بین‌ایالتی اغلب نمی‌توانند تعدد منافع و تنوع صداها و ایده‌هایی را که شکل‌گیری سیاست را شکل می‌دهند، در خود جای دهند. در این میان کشور عراق دارای شرایط خاصی است یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت ژئوپلیتیک عراق ماهیتی چندلایه، پویا و به‌شدت وابسته به تعامل میان جغرافیا، تاریخ، هویت و ساختار قدرت دارد. عراق نه یک واحد ژئوپلیتیکی تثبیت‌شده، بلکه فضایی در حال شدن است که همواره در معرض بازتعریف توسط تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی قرار داشته است. ریشه بسیاری از چالش‌های ژئوپلیتیکی عراق را باید در «مشکلات داخلی» و شکل‌گیری مصنوعی دولت-ملت عراق پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی جست‌وجو کرد؛ امری که موجب عدم بلوغ ژئوپلیتیکی، شکنندگی ساختار دولت شده است. از سوی دیگر باید توجه داشت، ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک هر منطقه در جهان، نقش بسزایی در شکل‌گیری ویژگی‌های روابط بین‌الملل در آن منطقه ایفا می‌کند که به نوبه خود، در نظام بین‌الملل جهانی نمود پیدا می‌کند. از این رو، مطالعه جغرافیای سیاسی اساساً مبتنی بر عامل جغرافیا است، زیرا این عامل یکی از تأثیرگذارترین موارد در رفتار یک دولت در سطوح داخلی و خارجی محسوب می‌شود. تحولات پس از سال ۲۰۰۳ نیز اگرچه به پایان حاکمیت استبدادی انجامید، اما خلأ قدرت، تکرر بازیگران و تضعیف حاکمیت مرکزی، عراق را به عرصه‌ای برای کنش دیگران بدل ساخت. در سطوح مختلف این موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق بر روابط آن با سایر بازیگران اثرگذار بوده است:

در سطح همسایگی، موقعیت ژئوپلیتیک عراق حاصل درهم‌تنیدگی مؤلفه‌هایی چون هیدروپلیتیک، مرزهای طولانی و ناامن، منابع مشترک مرزی و مسئله قومیت‌ها، به‌ویژه کردهاست. وابستگی شدید عراق به منابع آب فرامرزی و سیاست‌های هیدروژئومونیک کشور‌های بالادست، به‌ویژه ترکیه، یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های ژئوپلیتیکی این کشور محسوب می‌شود. در عین حال، پراکندگی قومیتی و مرزی، عراق را در یک فضای تعاملی-چالشی دائمی با همسایگان قرار داده است؛ فضایی که می‌تواند هم بستر همکاری منطقه‌ای و هم زمینه‌ساز بی‌ثباتی مزمن باشد.

در مقیاس منطقه جنوب غرب آسیا، عراق به‌واسطه مرکزیت جغرافیایی، وفور منابع راهبردی و قرارگیری در کانون رقابت قدرت‌های بزرگ، به یک گره ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده تبدیل شده است. این کشور پس از سال ۲۰۰۳، بیش از آنکه کنشگر فعال باشد، به میدان رقابت آمریکا، چین، روسیه و بازیگران منطقه‌ای بدل شده و سیاست خارجی آن ناگزیر در چارچوب موازنه‌های شکننده تعریف شده است. هم‌زمان، نقش ژئواستراتژیک عراق به‌عنوان حائل امنیتی و عمق راهبردی برای برخی بازیگران منطقه‌ای، به‌ویژه ایران، بر اهمیت آن در معماری امنیت منطقه‌ای افزوده است.

در جهان اسلام، یافته‌ها نشان می‌دهد که عراق به دلیل مرکزیت جغرافیایی، عمق تاریخی-تمدنی و تمرکز بالای اماکن مقدس اسلامی، از جایگاهی نمادین و هویتی برخوردار است. این کشور در نقطه اتصال جهان عرب، ایران و آناتولی قرار گرفته و به یکی از کانون‌های شکل‌دهنده به موازنه مذهبی و گفت‌وگویی جهان اسلام تبدیل شده است. ظرفیت بالای عراق در تبدیل سرمایه مذهبی و تاریخی به قدرت نرم اسلامی، آن را به بازیگری بالقوه مؤثر در معادلات اسلامی منطقه‌ای بدل می‌سازد.

در جهان تشیع، عراق جایگاهی بی‌بدیل دارد. تمرکز استان‌های مقدس شیعی، نقش مرجعیت نجف، اجتماع میلیونی اربعین و احیای قدرت سیاسی شیعیان پس از سال ۲۰۰۳، عراق را به یکی از محورهای اصلی ژئوپلیتیک تشیع تبدیل کرده است. تشیع در این چارچوب، نه صرفاً یک مؤلفه هویتی، بلکه یک منبع ژئوپلیتیکی فعال و راهبردی برای عراق محسوب می‌شود که می‌تواند در تولید قدرت نرم، بسیج فراملی و شکل‌دهی به ائتلاف‌ها نقش‌آفرین باشد.

در نهایت، در مقیاس جهانی، عراق به واسطه منابع عظیم نفت و گاز و نقش کلیدی در امنیت انرژی جهان، به یک گره ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیک تبدیل شده است. رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر نفوذ در عراق، نشان می‌دهد که این کشور فراتر از یک تولیدکننده انرژی، بخشی از معادلات کلان توازن قدرت جهانی است. با این حال، یافته‌های تحقیق تأکید می‌کند که موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی عراق، به‌خودی‌خود مولد قدرت نیست؛ بلکه در صورت فقدان یک دولت باثبات، راهبرد منسجم و نگاه ساماندهی‌محور به فضا، می‌تواند به عاملی برای تداوم مداخله‌جویی، بی‌ثباتی و تضعیف دولت ملی تبدیل شود.

در مجموع می‌توان گفت، موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق در منطقه تحلیل تلفیقی این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که ژئوپلیتیک قومی در عراق واجد ماهیتی پویا، چندبعدی و متداخل است. عدم مدیریت یکپارچه این مؤلفه‌ها می‌تواند به تضعیف حاکمیت ملی، تقویت نیروهای تجزیه‌طلب، و کاهش تاب‌آوری ساختار سیاسی منجر شود. از این‌رو، شناخت عمیق از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر مناسبات بین دو گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق، ضرورتی انکارناپذیر برای طراحی راهبردهای سیاستی، امنیتی و توسعه‌ای در این کشور محسوب می‌شود.

کتابنامه

۱. ازغندی، علیرضا. (۱۳۷۴). ارتش و سیاست. تهران: قومس.
۲. آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۶). فرهنگ علوم سیاسی. چاپ دوم. تهران: نشر چاپار.
۳. البغدادی، علی عبدالمحسن (۲۰۱۶). قطبی شدن منطقه‌ای و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه، ایران و عربستان سعودی به عنوان الگو، چشم انداز استراتژیک مجله مرکز مطالعات کوفه، شماره ۴۱.
۴. بنیاد دائرة المعارف اسلامی (۱۴۰۴). دانشنامه جهان اسلام. قابل دسترس در: <https://ar.lib.eshia.ir/23019/1/5261>
۵. پژوهشکده تحقیقات راهبردی (۱۳۹۹). پازل پیچیده منازعات ژئواستراتژیک عراق و سوریه. قابل دسترس در: <https://csr.ir/fa/news/1316>
۶. پورابراهیم، ناصر (۱۳۹۵). مجموعه امنیت منطقه ای خاورمیانه از منظر روابط ترکیه و عربستان (۲۰۰۲-۲۰۱۶). فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال ۲۳. شماره ۳.
۷. توال، فرانسوا (۱۳۸۲). ژئوپلیتیک شیعه. ترجمه حسن صدوق‌ونینی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۸. جونی، ریام عبدالله، زرقانی، سیدهادی، احمدی‌پور، زهرا (۱۴۰۳). تحلیل ژئوپلیتیکی روابط عراق و عربستان در سه دهه اخیر. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام. سال ۶. شماره ۲۲.
۹. جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). بررسی تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی). فصلنامه راهبرد سیاسی. سال ۲. شماره ۶.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹). مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. چاپ پنجم. مشهد: انتشارات پایلی.
۱۲. حمید، علی هادی (۱۴۰۲). تحلیل ژئوپلیتیکی منابع جغرافیایی قدرت کشور عراق. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۳. حیدری، محمد عبدالحسین عباس (۱۴۰۱). تحلیل مؤلفه‌های هیدروپلیتیک مؤثر بر مناسبات عراق و ترکیه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. زکی برام، زینب (۱۳۹۸). هیدروپلیتیک ترکیه و بازتاب‌های محیط زیستی آن بر عراق و ایران (مطالعه موردی: حوضه دجله و فرات). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی سید جواد صالحی. دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۱۵. سیف، قاسم محمد المحیسن (۱۴۰۱). طراحی الگوی مناسبات ژئوپلیتیکی عراق و ترکیه. رساله دکتری. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. صفوی‌همامی، سیدحمزه (۱۳۸۶). تأثیر موقعیت ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مجله سیاست دفاعی. سال ۱۶. شماره ۶۱.
۱۷. ضرغامی، برزین، شوشتری، سیدمحمدجواد و انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۳). ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعی (مبانی، اهداف و رویکردها). پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۴۶. شماره ۱.
۱۸. عباسی‌اشلقی، مجید (۱۳۸۸). مطالعه نظری سیاسی خارجی دو جانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. شماره ۸.
۱۹. عباسی‌سمانی، علیرضا (۱۳۹۲). موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه ای و جهان. فصلنامه سپهر. دوره ۲۲. شماره ۸۶.
۲۰. عبد، قاسم محمد (۲۰۱۰). استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال خاورمیانه از سال ۲۰۰۱، مجله حقوق دانشگاه تکریت، جلد ۲، شماره ۶.
۲۱. عبدالله، حارث قطان (۲۰۱۰). استراتژی آمریکا در قبال خاورمیانه، دوره پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، مجله علوم حقوقی و سیاسی دانشگاه تکریت، شماره ۶.
۲۲. عدوان، ارکان ابراهیم (۲۰۱۹). موقعیت منطقه ای عراق در پرتو رقابت بین المللی در منطقه خاورمیانه، مجله علوم سیاسی تکریت، شماره ۳، دانشکده حقوق و علوم سیاسی / دانشگاه انبار.
۲۳. عدوان، ارکان ابراهیم (۲۰۲۰). مسابقه بین المللی در خاورمیانه پس از ۲۰۱۷، مجله دانشگاه انبار برای علوم انسانی، شماره ۲، جلد ۱، دانشگاه انبار.
۲۴. قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰). ظرفیت سنجی شیعیان عراق و تأثیر آن بر محور مقاومت. مجله سیاست دفاعی. سال ۳۰. شماره ۱۱۴.
۲۵. کاویانی‌راد، مراد و تهامی، مرتضی (۱۳۹۲). حکومت جهانی در تصور ژئوپلیتیک ایران باستان. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۹. شماره ۳.
۲۶. کاویانی‌راد، مراد و مالداری، حسن (۱۳۹۶). تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک بر راهبرد ملی (مطالعه‌ی موردی: جنوب شرق ایران). پژوهش‌نامه جغرافیای انسانی. دوره ۴۹. شماره ۴.
۲۷. محمدی‌گماری، سعید و خلیلی، محسن (۱۳۹۲). تأثیر عوامل متغیر در ناهم‌اندی کارکردهای سیاست خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۴). پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل. سال اول. شماره ۲.
۲۸. منصوری، جواد (۱۳۶۵). نظری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. مونیس، محمد زبیری (۲۰۱۴). استراتژی آمریکا در خاورمیانه پس از پایان دوجانبه گرایی بین المللی: مطالعه ای در جغرافیای سیاسی، مجله هنر بصره، شماره ۶۸.
۳۰. Baqer, Z., Ala'Aldeen, D., Ratka, E., Sammour, K., Farag, L., & Hadad, H. (2025). Iraq's Foreign Policy – Between Domestic Fragmentation and the Search for National Sovereignty: An Analytical Review of Non-State Actors and Implications of Current Conflicts in the Middle East. Konrad-Adenauer-Stiftung e.V., October 2025.
۳۱. Bar-Tal, D. (2008). Coexistence Education: Concept, Definition, and Application. Teachers College, Columbia University. Retrieved from tc.columbia.edu
۳۲. Dodge, T. (2005). Inventing Iraq: The Failure of Nation Building and a History Denied. Columbia University Press.
۳۳. Esteban, J., Mayoral, L., & Ray, D. (2012). Ethnicity and Conflict: Theory and Facts. Science, 336(6083), 858-865. DOI: 10.1126/science.1222240
۳۴. Hilgers, M., & Mangez, E. (Eds.). (2015). Bourdieu's Theory of Social Fields: Concepts and Applications. Routledge
<https://geopoliticalfutures.com>
۳۵. Seloom, M. (2024, April 19). From rivals to allies: Iran's evolving role in Iraq's geopolitics. Doha Institute for Graduate Studies